شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
۲۵ ۰۶ ۹۹
۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه ورزشی
+۴ صفحه لینک+ ۱۶ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۲۰۲ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

حدیث روز

داناترین مردم کسی است که دانش دیگران را به دانش خود بیفزاید.

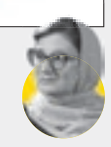
پیامبر اکرم(ص)

رطوبت هوا ۱۸٪	۱۴° ↓ ۲۹° ↑
صبح ۱۶°	ظهر ۲۶°
عصر ۲۷°	شب ۲۰°

- اذان ظهر ۱۲:۲۷
- غروب آفتاب ۱۸:۳۹
- اذان مغرب ۱۸:۵۷
- نیمه شب شرعی ۲۳:۴۴
- اذان صبح فردا ۴:۵۰
- طلوع آفتاب فردا ۶:۱۵



کاریکاتور



دستگیری سلطان کَره در شهریار

فیروزه مظفری

کودکان آپالاچی و دوربین‌های ده دلاری

ترجمان

هدی جاودانی
مترجم

وِندی اوالد (Wendy Ewald) زمستان ۱۹۷۶ به لتچر، شهرستانی در ایالت کنتاکی، سفر می‌کند. دختری بیست‌وپنج‌ساله که به‌تازگی از کالجی در نیویورک فارغ‌التحصیل شده بود و پیش از روی‌آوردن به عکاسی، به عنوان یک معلم، آموزش دیده بود. او حدود ۶ سال در لتچر می‌ماند، در ۳ مدرسه معلمی می‌کند، در مدرسه‌ها تاریکخانه می‌سازد و با شیوه‌های عملی به کودکان روستا، عکاسی، چاپ عکس و درست‌کردن آلبوم‌های عکس را آموزش می‌دهد، کودکانی که تا پیش از آن، هیچ‌گاه فکرش را هم نمی‌کردند زندگی روزمره‌شان ارزش ثبت‌شدن داشته باشد؛ «چند دوربین اینستامتیک [دوربین‌های خودکار ارزان‌قیمت کداک، متعلق به دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی] خریدم و هرکدام را به قیمت ۱۰ دلار به بچه‌ها فروختم. می‌خواستم به آن‌ها نشان بدهم کاری که انجام می‌دهند واقعا باارزش است.» «پرتره‌ها و رؤیاها: عکس‌ها و داستان‌هایی از کودکان آپالاچی»، کتاب اوالد، اولین بار در سال ۱۹۸۵ به انتشار رسید و به نقطه عطفی در عکاسی عامیانه بدل شد. مجموعه‌ای که به زندگی روستایی مردمان جنوب آمریکا، از دریچه نگاه کودکانی می‌پردازد که در فقر زندگی می‌کردند و دنیای ذهنی‌شان اغلب خیال‌انگیز و خلاقانه بوده است. آن‌ها با تصاویری سیاه‌وسفید، خودشان و جهان پیرامون‌شان را ثبت می‌کردند: کلبه‌های محقرشان، اعضای خانواده‌ای که این کودکان را بزرگ کرده بودند، حیواناتی که کودکان آن‌ها را بزرگ کرده و گاه حتی کشته بودند و تپه‌ها و دره‌هایی که از سن کم در آن‌ها گشت‌وگذار می‌کردند.

اوالد به آن‌ها کمک می‌کرد تا عکس‌های خود را ویرایش کنند و به تناسب موضوع آن‌ها را دسته‌بندی کنند؛ مثلا پرتره‌هایی که از خودشان گرفته بودند، پرتره‌های حیوانات، خانواده و شگفت‌انگیزتر از همه، پرتره‌هایی از رؤیاها و خیال‌پردازی‌هایشان. او با کودکان مصاحبه‌هایی نیز انجام داده بود و روایت‌های عمدتا تاریک و ناخودآگاهِ اول شخصشان را بیرون کشیده بود. مثلا آلن شفرد، یکی از این کودکان، به اوالد می‌گوید: «فکر می‌کنم کوه‌ها اسراری دارند که تابه‌حال هیچ‌کس آن‌ها را نشنیده است. بعضی از مردم می‌گویند اگر کوه‌ها می‌توانستند حرف بزنند، حتما حرف‌های خردمندانه‌ای می‌گفتند. من هم مثل آن‌ها فکر می‌کنم.»





فِردی چیلدرز، پسربچه دیگری، که ابتدا نمایش احساسات از طریق دوربین، برایش دشوار به‌نظر می‌آمد، درنهایت با ۲ پرتره خانوادگی حاضر می‌شود. در یکی از پرتره‌ها او در حالی که لبخندی به چهره ندارد، قاب عکسی را در دستانش گرفته و خیره به دوربین ایستاده است. آن‌طور که خود می‌گوید، قاب عکس متعلق به «بزرگ‌ترین برادرم است، اِوریت، که وقتی از جنگ ویتنام برگشت، خودش را کشت.»

پسری به نام گری کِریس، پرتره‌ای از خود انداخته بود که در آن با یک تبر، گردن گربه‌ای را که پدرش آن را با دست نگه داشته، نشانه رفته است. داستان عکس از آنجا نشئت می‌گرفت که پدر گِری، زمانی که او کم‌سن‌وسال‌تر بوده، تمامی گربه‌های خانواده را می‌کشته و گری و خواهر کوچک‌ترش را نیز وادار می‌کرده شاهد این جنایت باشند.

مفهوم مرگ، به‌نظر ذهن بسیاری از کودکان آپالاچی را به خود مشغول کرده بود. آلن شفرد، عکسی از دوستش، ریکی گرفته بود که در آن چشمان ریکی بسته و دستانش گشوده است و به تنه درختی شکافته‌شده تکیه داده است. در توضیح عکس آمده است: «خیال کردم دوست صمیمی‌ام را کشته‌ام.»

۲۰ سال پس از اولین انتشار مجموعه عکس اوالد، در سال ۲۰۰۸، او با کودکان آپالاچی تجدید دیدار کرد. بسیاری از آن‌ها از شرایط سخت زندگی دوران کودکی‌شان گذر کرده و فارغ‌التحصیل دانشگاه بودند و مشاغلی حرفه‌ای داشتند و با اشتیاق از کلاس‌های عکاسی‌شان با اوالد یاد می‌کردند. اوالد در سخن پایانی کتاب خود می‌نویسد: «درسی که این کودکان با عکاسی، داستان‌گویی و نمایاندن خلاقیت خود گرفتند، هدایتگر آنان در مسیر زندگی بوده است.»

*برگرفته از مقاله Dancers, dreamers and cat killers نوشته Sean O'Hagan منتشر شده در گاردین

چو نیکو بنگری، نیکو ببینی

جانبی دوربین



کیارنگ علایی
نویسنده و عکاس

هفته گذشته، پیش‌قدم شدن «آلین کوک» برای مرگ خودخواسته و تصمیم به انتشار زنده خودکشی در فضای مجازی، آنجا بر سر زبان‌ها افتاد که فیس‌بوک مصرانه جلو این اقدام را گرفت و نمایش آن را بر خلاف قوانین خود دانست.

ایده «آلین کوک» به‌عنوان یک انسانِ به‌پایان خط‌رسیده دراثر بیماریِ درمان‌ناپذیرِ مزمن، دردناک است و هیچ چیز به اندازه این قلبم را نمی‌فشارد که ببینم انسانی تمام زیبایی‌اش را کنار بگذارد و عاجزانه و دردمند از وضعیتی سخن بگوید که به قول «گرانللو» توان تحمل شرایط فعلی‌اش برای فرد موجود نیست، وگرنه او به مرگ فکر نمی‌کرد.

همیشه فکر کرده‌ام تفکر خودکشی حاکی از فقدانی بزرگ است؛ حمایتی که وجود ندارد و دنیا در مقابل ازدست‌دادن یکی از آدم‌های خود (بدون قضاوت بر رنگ و تفکر و نژاد) سکوت می‌کند. چراکه نیک می‌دانیم تفکرِ مرگ‌خواهی برای خویش، بر هراس ذاتی بشر از مرگ فائق آمده و ارزش‌های بزرگ زیستن را برای فرد کنار زده است. درمورد آلین کوک این امر بیشتر به شکلی از خودکشی می‌ماند که فرد مصلحت خود را در وقوع آن جست‌وجو می‌کند، چراکه بیماری چنان بر او مستولی شده که هیچ‌گونه منفعتی از او به جامعه کوچک اطرافیان و جامعه بزرگ بشری نمی‌رسد.

عموما افسردگی‌های منجر به خودکشی ۳ دلیل دارند: خشم، تقاضای کمک و اجتناب. در این یادداشت به جنبه‌های مختلف این تصمیم و سویه‌های مختلف اجتماعی آن خواهم پرداخت.

اول آنکه در چنین موقعیت‌هایی، سوال اساسی این است که چگونه علم روان‌پزشکی در این موارد فوق‌اورژانسی نمی‌تواند نقش پیش‌گیرنده‌ای ایفا کند. به شهادت بسیاری از روان‌شناسان دنیا، عمیق‌ترین و پرچالش‌ترین مراجعی که در طول عمر داشته‌اند، اشخاصی بوده‌اند که قصد خودکشی داشته‌اند.

آلین کوک مبتلا به یک بیماری جدی است و این مسئله همواره یکی از مسائل روانی بوده که در جهان، افکار خودکشی را توسعه داده است. از سوی دیگر وقتی کسی قبل از اقدام به خودکشی، دیگران را از این تصمیم مطلع می‌کند، معنایش این است که رفتاری کمک‌خواهانه را طلب می‌کند و به این طریق تمایل دارد بر احساس انزوا و فقدان حمایت اجتماعی که گریبانش را گرفته فائق آید. آیا کسی صدای او را می‌شنود؟

دوم آنکه می‌توان تصمیم آلین کوک را تغییری بزرگ در موقعیت ملال‌آور و غیرقابل تحمل این آدم دانست. دوخته‌شدن به تختخواب در خانه‌ای در شهر دیژون واقع در شرق فرانسه و نبودن هیچ افق تازه‌ای برای سال‌های پیش‌رو و محروم‌بودن از همه آنچه می‌تواند سهم برابر همه آدم‌ها باشد، موقعیتی عجیب است و این تصمیم می‌تواند به‌عنوان تمنای کمک‌خواهی تعبیر شود، راهی برای تغییر سرنوشت محتوم خویش. چراکه به قول «استروسال»، حرف زدن درباره میل به خودکشی می‌تواند خطر خودکشی را به‌شدت کاهش دهد. «چو نیکو بنگری، نیکو ببینی».

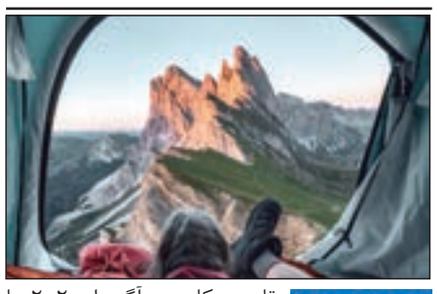
سوم آنکه مشاوره‌های روانی هیچ‌گاه قرار نبود سراغ بیماری‌های روانی برود، بلکه دلیل ماهوی وجود روان‌شناسی این بود که کیفیت زندگی بهتر شود، به این معنا که این علم در حوزه‌های مربوط به رشد کار کند، اما اتفاقات پس از جنگ جهانی دوم و بحران‌های روانی متعدد باعث شد موضوع اختلالات روانی جدی شود و این شاخه از علم، بیشتر به درمان اختلالات بپردازد.

چهارم آنکه تصمیم آلین کوک حالا دیگر یک تصمیم فردی در حیاط خلوت ذهن او نیست. او تصمیمش را عمومی کرده است تا از این طریق پیامی را به جهان مخابره کند: «رنجی می‌کشم که شما از آن خبر ندارید» و این امری متفاوت از مرگ‌خواهی یا افسردگی‌های منجر به خودکشی است، بلکه ادامه مسیر زندگی را با وجود این شرایط ناممکن می‌داند و آن را به همگان اطلاع می‌دهد.

و سخن آخر آنکه علوم مربوط به سلامت روانی معتقدند که هیچ بن‌بستی نیست؛ یا راهی خواهم یافت، یا راهی خواهم ساخت.

هنری

برترین عکس‌های جهان با موضوع سفر



Forbes

رقابت عکاسی «آگورا» ۲۰۲۰ با موضوع سفر برگزار شد و بیش از ۱۳ هزار و ۶۰۰ عکاس آماتور و حرفه‌ای از سراسر جهان، آثار خود را با موضوع سفر برای شرکت در این رقابت عکاسی ارسال کردند. برنده نهایی این رقابت عکاسی با آرای مردم برگزیده شد.

فرهنگی

جایزه یک عمر دستاورد ادبی برای «مارگارت اتوود»

National

«مارگارت اتوود»، نویسنده مشهور کانادایی و خالق آثار ادبی تحسین‌شده‌ای همچون «وصیت‌ها» که آینده‌ای دیکتاتوری و ترسناک را برای ایالات متحده به تصویر می‌کشد، امسال به‌عنوان برگزیده جایزه یک عمر دستاورد ادبی «صلح دیتون»، جایزه‌ای برای گرامیداشت قدرت ادبیات در حمایت از صلح، عدالت اجتماعی و درک جهانی، انتخاب شد.

دانستنی

دعوای ثروتمندان جهان



CNN

«بیل گیتس» تفکرات خود درباره وسایل نقلیه برقی را در یک پست وبلاگی در ماه اوت به تفصیل بیان کرد و توضیح داد که چرا در مورد پتانسیل خودروهای برقی به‌عنوان وسایل نقلیه طولانی‌مدت، شک دارد. دلیل او این بود که «باتری‌های این وسایل نقلیه، بزرگ و سنگین هستند». پس از آنکه گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت، درباره قابلیت کامیون‌های برقی شک کرد، مدیرعامل تسلا یعنی «ایلان ماسک» گفت که فکر می‌کند گیتس هیچ اطلاعی در این باره ندارد.

نگاه هشتم
خدا حق مظلوم را می‌ستاند

غلامرضا بنی اسدی

مردم، حق مردم، حق مظلومان از مردم آن‌قدر در سپهر اندیشه دینی مهم است که امام معصوم، آخرین وصیت خود به امام پس از خویش را به آن اختصاص می‌دهد. یعنی واپسین نفس‌های قبل از شهادت را، آخرین توان مانده در بدن را به زبان می‌دهد تا مهم‌ترین سخن را بیان کند. تاریخ ثبت صفحات خویش کرده است که حضرت سجاد(ع)، در هنگامه آخرین، حضرت باقر(ع) را به سینه چسبانید و این وصیت را که پدر در وقت شهادت به او کرده بود، به پسر گفت که: «ستم مکن بر کسی که یاوری بر تو به غیر از خدا نداشته باشد.» ا... اکبر که سیدالشهدا در آن ابتلای بزرگ، بعد از به خون افتادن یاران، به امام پس از خویش چنین وصیت می‌کند و امام بعد نیز به امام پس از خویش و این یعنی مسئله حیاتی است و هر که می‌خواهد در هندسه امت-امامت قرار بگیرد باید به این حقیقت و حق‌هایی که با آن مواجه می‌شود، توجه داشته باشد. ظلم هم فقط شمشیر نیست که از نیام به درآید، پا روی آبروی مردم گذاشتن، جای حق و باطل را عوض کردن، به رانت و ویژه‌خواری و نشت اطلاعات فربه‌شدن، دست در بیت‌المال بردن و با ناشایستگی به جای شایستگان تکیه زدن، گروه‌گرایی و خاصه‌گرایی تبار سالاری کردن و... همه مصادیق آشکار ظلم است که معمولا قربانیانی دارد که دستشان از زمین و زمان کوتاه و همه راه‌ها به رویشان بسته است. اینان جز آسمان راهی ندارند و خدا بر حق اینان بسیار غیور است و در برزمین کوبیدن ظالمان سریع‌الاجابه است. مراقب باشیم در شمار ظالمانی چنین قرار نگیریم.

عکس روز

تجربه یک عکاس در قرنطینه

عکس: مصطفی عباسی | فوتوشهر



تاریخ‌نگار

۲۵ شهریور ۱۳۵۷

وقوع زمین‌لرزه نابودکننده طبس

رضا سلیمان نوری

صرف‌نظر از کشتار ۱۷ شهریور تهران، بی‌شک بزرگ‌ترین حادثه شهریور سال ۱۳۵۷ ایران در جنوبی‌ترین شهر آن زمان خراسان یعنی طبس رخ داد. این شهر ساعت ۱۹:۳۶ روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۷، شاهد یکی از نابودکننده‌ترین زلزله‌های ثبت‌شده در تاریخ ایران بود؛ زلزله‌ای با شدت ۷/۸ ریشتر که شهر طبس و روستاهای مجاور آن را به‌صورت کامل ویران کرد. این زمین‌لرزه قدرتمندترین زلزله‌ای است که تابه‌حال در تاریخ ایران ثبت شده و تعداد کشته‌های آن بین ۱۵ هزار تا ۲۵ هزار نفر اعلام شده است. این اختلاف عددی بدان دلیل است که به علت شدت تخریب ساختمان‌ها و شدت زلزله، اجساد بسیاری از افراد هیچ‌گاه پیدا نشد. وقوع زلزله طبس حدود یک هفته پس از واقعه ۱۷ شهریور تهران باعث شد بسیاری از فعالان سیاسی و مخالفان رژیم پهلوی برای کمک به مردم در منطقه حاضر شوند و البته پهلوی دوم هم به منطقه سفر کرد. شهر طبس آن زمان که به‌واسطه وجود باغ گلشن به «طبس گلشن» معروف بود از منظر سرسبزی، نگینی درخشان در منطقه بیابانی مرکزی ایران بود که بناهای تاریخی فراوان را در دل خود نهان داشت. بناهایی که همگی در زلزله به‌طور کامل از بین رفت و عملا دراثر زلزله چیزی از شهر باقی نماند و بازماندگان باید ابتدا به باغ گلشن می‌رفتند تا از نظر جغرافیایی بدانند که برای رسیدن به خانه سابق خود به کدام سمت بروند. کانون زلزله در نزدیک کریت بود و خرابی‌ها از دیهوک در جنوب شرق تا اسفهک و سپس



خود طبس گسترش می‌یافت. شهر طبس در مدت حدود ۳ سال بازسازی شد ولی شهری که امروز به‌عنوان طبس در قلب کویر مرکزی ایران وجود دارد، نسبتی با طبس زیبای تاریخی قبل از زلزله ندارد.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗
یک مدیر باید از حوزه مدیریت خود آگاهی کافی داشته باشد.

ویراسته ✓
مدیر باید از حوزه مدیریت خود آگاهی کافی داشته باشد.

نکته

مدیر، اسم جنس است و به همه مدیران اشاره دارد؛ بنابراین نیازی نیست با گرته‌برداری از دستور زبان انگلیسی که از طریق مترجمان وارد نوشتار و گفتار فارسی شده است، از واژه «یک» استفاده کنیم.

#زین_قند_پارسی